# و این آسیا به نوبت است



محمدباقر کلاهی اهری
شاعر

حضرت رفیق نازنینم فقید سعید رضا افضلی از آن دسته یاران بود که با او «خوردیم ز یک شراب در محفل عمر». بگویم زبان و قلم ناچیزم به ذکر این مطلب نمی‌چرخد، ادعایی مکرر است چون می‌خواهم مرگ او و فقدان او را با نفس خسته فریاد کنم.

دل‌نشین مردی که قریب پنجاه سال و یا کمی کمتر از ارادت من به او و لطف و بردباری‌اش در حق من می‌گذرد. مهربانی‌اش از گونه‌ای بود که نمی‌شد آن را جبران کرد. در بذل احساسات دست و دلی گشاده و بخشاینده داشت. تقریبا دو هفته پیش برای آخرین بار او را در دفتر دکتر حسین صالحی، دوست شاعر و خوش‌نویس هنرمندم دیدم. در معیت دکتر یاحقی و جناب حسن معین و جناب جبروتی و دیگر دوستان بودیم. رضای عزیزم آمد. پروتکل کرونا را رعایت کرده نقابی کاغذی بر چهره داشت. روی مهربانش کمی پریده رنگ و تکیده بود. با لطف خوش مطایق رسم رفیقان قدیمی سر به سر هم گذاشتیم. رضا چند سال پیش به «اهر» زاد و بوم اجداد من رفته و مهمان پسرش روزبه بود که مهندس ناظر در امورات تاسیس یک سد بزرگ در آن منطقه بود. از سرما کلاه به سرش گذاشته و خود را کلاهی اهری دانسته بود و سروده بود: شده است چند صباحی که ساکن اهرم / کلاهی اهری ای رفیق با هنرم / کلاه بر سرم از سردی هوای اهر / سزد که نام نهندی کلاهی اهرم و الی آخر.

قصیده‌ای به سبک و تراز او که در محفل استاد قهرمان قرائت کرده بود. دوست ادیبم سید علی‌اصغر موسوی آن را شنیده و نسخه‌ای از آن گرفته و از پشت تلفن برای من خواند. «ز پشت سیم شنیدم شعر همچو زرش».

از طریق جناب موسوی به عرضش رساندم: رسید افضلی از سیر گردش و سفرش / سفر نموده بُد از بهر دیدن پسرش// در آن دیار تفقد به این غریب نمود / به این غریب و به تیر و تبار دربدرش// به چامه‌ای که از او می‌سزد مشرف کرد / کلاهی اهری را به گردش اهرش // کلاهداری آن سرور از هوای اهر / به سمع بنده رسید از مطاوی اثرش ...

و از این قبیل اخوانیات میان بنده و او بسیار بود و از این گونه مطایبات ... .

رضا را از سال ۵۲ و ۵۳ و آن حدود می‌شناختم. اول در شب شعری که به تدبیر داود کیانیان (مربی هنری دبیرستان دانش بزرگ‌نیا و نویسنده و کارگردان معروف تئاتر) و حضرت استادم حبیب ا... بیگناه که مدرس ادبیات در آنجا بودند سر و صورت پیدا کرده بود و این بنده به دلیل همکاری با داود و ارادت به استاد بیگناه در خدمتشان بودم.

بعدها دوستی ما سر و صورت و کمال بیشتری یافت و به قول او به همراه دوست شاعر فقید، تقی خاوری و رضا دبیری جوان، دوست بسیار عزیز و شاعرم، مربعی را تشکیل دادیم که محل رجوع و محل توجه بود.

بعدا در سال ۱۳۵۶ برای چاپ اولین دفتر شعرش با من مشورت کرد. قبلش در سال ۱۳۵۵ من دفتری درآورده بودم (بر فراز چار عناصر). نام دفتر شعر او «در شهر غم گرفته پائیز»، شامل اشعار غنائی با توجه به مضامین سیاسی آن روزها بود. پیش‌بینی من موفقیت آن دفتر بود. ۵ هزار از آن را طبع کرد و به سامان رساند و به قول خودش سود کرد و این از موارد نادری بود که پیش‌بینی من به سود کسی تمام شده بود.

رضای عزیزم در تمام محورها و اموراتش دوربین و موفق بود. پدر خوبی بود. شاعر موفقی بود. امر معاشش بسامان بود. سخت‌کوش و خود ساخته بود. همسری خوب هم بود. رفیقی متعادل هم بود. خندان و خوش‌مشرب هم بود. در عرصه اجتماع شعر، همنشین بزرگان و مشاهیر هم بود.

در این اواخر به میل دوستان و خانواده‌اش حاصل کارهای شاعری‌اش را در چند مجلد به ویراستاری و مباشرت دوست شاعر و کاردان در امور نشر، جناب محمدکاظم کاظمی به طبع رساند و به دوستانش هم هدیه کرد. نامش را با دریغ و ادب می‌برم و یادش در دل من خسته است.

**اینک مرثیتی سینه سوخته در رثای آن عزیز:**

**فصل تموز و وقت وداعی بهاری است**
**در قلب من حکایت این بی‌قراری است**
**یاری که رفت یار من بی‌قرار بود**
**ای دل کنون بنال که هنگام زاری است**
**این زاری دل من از اندوه افضلیست**
**آن دلنشین که ماتم او زخم کاری است**
**با آن رفیق سال و مه و روزگار رفت**
**آن خنده‌ها که از دلم اکنون فراری است**
**ای جغد غم به خاطر من پا گذاشتی**
**آنجا که مهد خاطره و یادگاری است**
**ای ماتم وی از دل من دست بر مدار**
**لختی ببین که اشک من از دیده جاری است**
**آن مرد شعر و شور و سخن‌های ماندنی**
**رفت از جهان که کار جهان سرشماری است**

(محمد باقر کلاهی اهری، ۱۹/۴/۱۳۹۹)



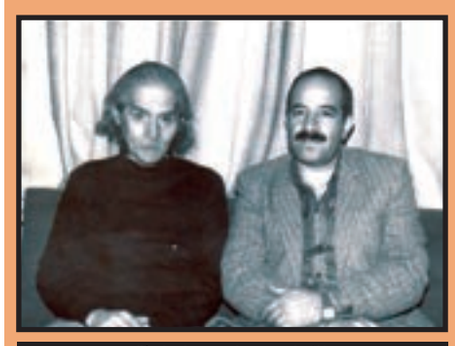
رضا افضلی به همراه نصرت رحمانی



رضا افضلی به همراه محمدرضا شفیعی کدکنی



رضا افضلی به همراه محمد قهرمان



رضا افضلی به همراه مهدی اخوان ثالث

## حافظه شعر مشهد



علیرضا حیدری
عضو شورای سیاست‌گذاری شعر خراسان رضوی

مهربان بود؛ نمی‌دانم این واژه چقدر می‌تواند بار مهربانی این مرد را به خواننده منتقل کند. فروتن بود و به‌راستی نمی‌دانم این واژه نیز چقدر می‌تواند از اهمیت فروتنی او حکایت کند. شکیبا بود و برای انتقال حس صبوری و شکیبایی او شاید این واژه‌ها کم بیاورند؛ این‌ها را نه در یک‌روز و دو ماه و سه سال کشف کردم که از دهه ۶۰ که در دانشکده ادبیات دانشجو بودم تا همین چند روز پیش دریافتم و نتیجه عمری معاشرت و آشنایی با رضا افضلی عزیز است.

در کتابخانه دانشکده ادبیات دکتر علی شریعتی مشهد یار و یاور دانشجویان بود و در دوران پس از بازنشستگی هم با تدریس در دانشگاه‌های مختلف معلم و استادی دلسوز بود برای دانشجویان.

اگر کاری از دستش برمی‌آمد، دریغ نمی‌کرد. اگر گرهی به دستش باز می‌شد، گشاینده مشکل بود. اگر شعری را در برابر نقد او قرار می‌دادی، منصفانه و دقیق و عالمانه نقد می‌کرد؛ دوست و رفیق و بیگانه، جوان و پیر هم نمی‌شناخت؛ شعر را می‌دید نه شاعر را. آشنایی او با شعر خراسان و مشهد و حضور مستمر در جلسه‌های شعر و انجمن‌های ادبی -در چند دهه- شناخت خوبی به او داده بود تا نحله‌های فکری شعر مشهد را بشناسد و تحلیل دقیقی از روند شعر خراسان و مشهد داشته باشد. وبلاگ او و آثاری که نوشته است و در آن از تاریخ شعر مشهد سخن گفته است، خود گویای این شناخت و تسلط است.

افضلی شاعر بود؛ شاعری توانا، با سواد و دانش شاعری. افضلی در روزگاری که شعر نو سرودن در مشهد و انجمن‌های ادبی مانند انجمن فرخ جرم بود و با عتاب سخت زنده‌یاد فرخ همراه می‌شد، همراه با نوپردازانی چون استاد شفیعی کدکنی از سرایش شعر نو دست نکشید و نوسروده‌های خوبی از او به یادگار مانده است. شعری به انتخاب دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی که در مجله چیستا/ سال هفتم/بهمن ۱۳۶۸/شماره ۵ چاپ شد:

آرزوی درخت

زان پیش‌تر که بشکنید شاخهٔ مرا/ و بر آتشم حلقه زنید / باید یقین کنید / چراغ میوه‌هام ذائقه‌ای را روشن نمی‌کند / و سایه‌سار ندارم دوست دارم / پرنده‌ای فراری / در برگ‌های من / آشیانه بسازد / از چوبم گهواره بسازید / نه تابوت. / از من کبریتی بسازید / که فتیلهٔ زندگی را روشن می‌کند / ریشه‌ام را در خاک باقی گذارید / تا از خانه همسایه / سر برآورم.

زنده‌یاد افضلی سهم زیادی در تاریخ شعر مشهد و انجمن‌های ادبی این شهر دارد. گردآوری این تاریخ به همت او گنجینه ارزشمندی است که برای آیندگان به یادگار مانده است و بخش مهمی از تاریخ شعر و انجمن‌های ادبی مدیون تلاش‌های اوست. او یک‌تنه این بار را به دوش کشید و حافظه تاریخی شعر مشهد را خالی نگذاشت و امروز سندی روشن از حرف‌ها و نوشته‌های او وجود دارد که غنیمت است. اداره چندین جلسه شعر از روزگار جوانی تا همین واپسین روزهای عمرش نیز کارنامه‌ای درخشان از مدیریت خوب جلسه‌های ادبی را ارائه کرد. نقد خوب و همراه با ادب او حاضران و شاعران را به شگفتی وامی‌داشت و طریق میان‌داری در یک جلسه ادبی را از او فرامی گرفتند.

زنده‌یاد افضلی حافظه تاریخی مشهد هم بود. او فرهنگ و آداب و رسوم و اخلاق مشهد قدیم را به تصویر کشید. منظومه «مشهدی‌های قدیمی» دفتر شعری است از حال و هوا و فرهنگ مردم مشهد قدیم و شغل‌ها و معماری و مناسبات زیست پدران ما در این شهر، تاریخی گران‌سنگ است که در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است.

درخشد توتِ شیرین بر طبق‌ها
به نقل از منظومهٔ بلند منتشر نشده
(مشهدی‌های قدیمی)

سروده رضا افضلی در سال ۱۳۷۷

پگاهان، موقع شرم شفق‌ها
درخشد توتِ شیرین در طبق‌ها
به فرقِ توت‌ها مُشتی گلِ سرخ
شده بر هر طَبَق چون کاکلِ سرخ
زراهِ باغ می‌آید طبق‌ها
«طبق کش» می‌رسد غرقِ عرق‌ها
یکی سر می‌رسد، پای پیاده
طبق را روی لُنگ سرنهاده
یکی رانَد دوچرخه، شاد و سرمست
طبق بر سر گرفته با یکی دست
دو تن گیرد طَبَق را با تکاپو
نهد با «یاعلی» بر روی سَکّو
زند مردی به معبر دم به دم جار
کند این بیت را پیوسته تکرار:
«عسل در باغ هست و غوره هم هست
زلیخا هست و فاطی کوره هم هست»
فروشد توتِ شیرین را به مردم
سفید و نرم، مثلِ کرکِ قاقُم
پس درهای دکّان‌های بسته
به اَطراف طبق، جمعی نشسته
خورد با پنجه‌های «لیچ» و چسبان
زسینی توت را در جمعِ یاران
یکی با خالکوب روی بازو
ببلعد توت از کَفّهٔ ترازو
دلش را چون زند شیرینی‌تر
کشد او کاسه‌ای از دوغ را سر
پر از قیماق و گردِ سبز نَعنا
بنوشد یک نفس دوغِ گوارا

زمانِ توت بس کوتاه باشد
چو عمرِ آدمی یک «آه» باشد
ز باغ دم، اگر توتی نچینی
دمِ دیگر در آن چیزی نبینی

استاد افضلی از هم‌نسلان شاعران بزرگ معاصر خراسان بود. دوستی او با کسانی مانند اخوان، قهرمان، شفیعی کدکنی، کمال، صاحبکار، قدسی، بقا و دیگران فرصتی به او داد تا با قلمی شیوا و طبعی روان و البته حافظه خوبی که داشت، نتیجه این مراودات را بنویسد و در حافظه تاریخی مشهد و برای ادبیات این شهر به یادگار گذارد.

استاد به صاحب این قلم لطفی دیگر هم داشت؛ او داوری پایان‌نامه بنده را که درباره انجمن‌های ادبی مشهد بود پذیرفت و با کمکی شایان همراهی کرد و تشویق‌های مکرر او مرا دلگرم می‌کرد. جای رضا افضلی هرگز پر نمی‌شود و زخم نبود او بر پیکره شعر مشهد خواهد ماند.

یادش گرامی

## رفاقت به شیوه دیوئی



سلمان نظافت یزدی
روزنامه نگار

مرحوم رضا افضلی را می‌توان از چند جنبه مورد توجه قرار داد و درباره‌اش نوشت؛ شاعری، حضور فعالانه در جلسات شعر، تدریس در دانشگاه و خاطرات شفاهی تاریخ معاصر ادبیات خراسان، اما به‌نظر یک نکته مهم درباره او اهمیت به رفاقت است!

رفاقت او با محمد قهرمان رفاقت رشک‌برانگیزی است، او بارها و بارها از این رفاقت و رابطه استاد-شاگردی سخن گفته است و کتاب «شناخت‌نامه محمد قهرمان» که به کوشش رضا افضلی منتشر شده است، خود نشان مهمی بر این رفاقت است. رفاقتی که با همکاری در کتابخانه دانشگاه فردوسی شروع شد و سال‌های سال ادامه داشت و پس از درگذشت قهرمان هم حتی برای او ادامه داشت.

افضلی خود در این باره می‌نویسد: «آشنایی این بنده با آقای قهرمان، در انجمن‌ها و شعرخوانی‌های گاه گاهی ادامه یافت تا این که در سال ۵۲ با حفظ موقعیت اداری دانشگاهی‌ام در کنکور سراسری ثبت نام کردم و برای گرفتن کارت شرکت در جلسه، به دانشکدهٔ ادبیّات رفتم. آن سوی مُحوطه، میزهای ویژهٔ توزیع کارت در سایهٔ دیوار کتابخانه ردیف شده بود و کارمندان، پشت آن سرگرم تحویل کارت‌ها به داوطلبان بودند. برحسب اتّفاق، آقای قهرمان متصدّی توزیع کارت‌هایی بود که حرف «الف» نیز در آن قرار داشت. وی به من تبریک گفت و ضمن آرزوی موفقیّت کارتم را لطف کرد... من چند روزی برای بررسی موقعیت کار، به کتابخانه رفتم و پشت میزی بزرگ که در گوشه ای از تالار مطالعه قرار داشت به فهرست‌نویسی کتاب‌های عربی پرداختم. کتاب ها در موضوعات مختلف ادبی، تاریخی، فلسفی و عرفان و معارف اسلامی و غیر آن بود. دیوان های شعر تازیان و ادبیّات معاصر عربی بیش از دورهٔ دانشجویی‌ام مرا به خود مشغول کرد. برای فهرست‌نویسی و تعیین موضوعات به شیوه دیوئی و بعدها کُنگره، ایجاب می‌کرد کتاب‌ها را ورق بزنم و مقدّمه یا مؤخرهٔ آن‌ها را بخوانم و به طور کلّی مضمون هر کتاب را دریابم.... عشقم به کتاب و همکار شدنم با آقای قهرمان باعث شد که کتابخانه را مناسب‌ترین جای ممکن برای کار خود تشخیص دهم و با نظرخواهی از وی و تعیین جای مناسب، قید شغل و کار آینده در آزمایشگاه زبان را بزنم و رسما به دفتر کتابخانه و همجواری استاد محمّد قهرمان منتقل شوم....

چای در قوری برقی چینی، بر روی صندلی نزدیک دست آقای قهرمان آماده بود. از من پرسیدند چای بریزم؟ گفتم متشکّرم. با خنده گفتند: (yes thank you or no thank you) من هم به شوخی جواب دادم (yes thank you) (استاد با تواضع و بزرگواری برای بنده چای ریختند. با همین برخورد ساده و جذّاب، دورهٔ واقعی دوستی‌ام با آقای محمّد قهرمان شروع شد و تمامی تصوّرات باطلی که دربارهٔ دیر جوشی بیش از حدّ این مرد مهربان داشتم و از بعضی‌ها شنیده بودم فروریخت.»

این رفاقت چهل ساله آیا رشک‌برانگیز نیست؟ رفاقتی که در عین اختلاف سبکی در سبک و سیاق سرایش ادامه داشته است. معروف است که در جلسات سه‌شنبه‌های قهرمان خواندن شعر نو کاری سخت و صعب بوده است، اما افضلی در عین رفاقت با قهرمان جزو حلقه شاعران نوپرداز هم بوده است و می‌توان ردپایش را در کتاب «هفت» که هاشم جوادزاده جمع‌آوری کرده است و شاعرانی همچون تقی خاوری، کلاهی اهری و... هم در آن شعر دارند و همچنین دیگر مجموعه شعرهایش دید.

اگر از شرح این رفاقت که مفصل و کامل آن در شناخت‌نامه قهرمان و وبلاگ رضا افضلی آمده است، بگذریم. مرحوم رضا افضلی اما برای ما جماعت خبرنگار هم همیشه مورد احترام بوده و هست او بی‌دریغ و بی‌حسد همیشه در دسترس ما بود و بارها از آرشیو شخصی‌اش عکس‌ها و اطلاعات سودمندی را برای انتشار در اختیار خبرنگاران قرار داده است.

## پیام تسلیت مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان

جعفر مروارید، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خراسان رضوی در پیامی درگذشت استاد رضا افضلی پیش‌کسوت شعر خراسان رضوی را تسلیت گفت. در متن پیام مدیرکل ارشاد آمده‌است: «خبر درگذشت استاد رضا افضلی از سرامدان شعر و ادب خراسان بزرگ، موجب تأثر و تألم جامعه ادبی کشور شد. انسانی شریف که تواضع، مهربانی، جوانمردی و آزادگی‌اش، در میان اهالی فرهنگ این دیار شهره بود و تمام عمر با برکت خویش را به گره‌گشایی از شاعران و نویسندگان گذراند. او که تربیت یافته مکتب شاعران بزرگی چون استاد محمود فرخ و استاد محمد قهرمان بود، در شمار آخرین نسل از شاعران معاصر دهه ۴۰ قرار داشت و به شایستگی پرچمدار و پدر شعر سپید خراسان در دهه‌های اخیر بود. بی‌شک آثار فاخری از او به یادگار مانده است، همچنین فعالیت‌های ادبی آن مرحوم در کسوت دبیری انجمن ادبی «کافه داش آقا» نام او را در تاریخ شعر این استان ماندگار خواهد کرد. این جانب ضایعه درگذشت این شاعر نامی و متعهد را به جامعه فرهنگ و ادبیات کشور و خراسان بزرگ، دوستداران شعر و ادبیات و به‌ویژه خانواده محترم ایشان تسلیت گفته، برای آن عزیز از دست رفته علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت دارم.»

معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری خبرداد

## استقبال هنرمندان مشهدی از «تئاتر کنار مردم»

معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد از استقبال بی‌نظیر هنرمندان مشهدی از نخستین جشنواره تئاتر خیابانی «تئاتر کنار مردم» خبر داد. صدرا یوسفی با بیان این مطلب، گفت: این رویداد، نخستین جشنواره تئاتر خیابانی مشهد است که با عنوان «تئاتر کنار مردم» برگزار می‌شود. جشنواره‌ای که منطبق بر لایحه مصوب کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر مشهد وبرای حمایت از هنرمندان است.

او با اشاره به پررونق بودن تئاتر مشهد و جایگاه درخور توجه آن در میان شهروندان خاطرنشان کرد: هدف از برگزاری این جشنواره، علاوه بر توجه به اقتصاد تئاتر مشهد، تقویت پیوند مردم با هنر و فراهم ساختن فضایی شاد و مفرح برای شهروندان و علاقه‌مندان به این هنر است.

معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری درباره آسیب ناشی از شیوع ویروس کرونا بر اقتصاد تئاتر مشهد، نیز یادآور شد: هم‌زمان با شیوع ویروس کووید ۱۹، تماشاخانه‌ها تعطیل شدند و رکودی چهار ماهه بر اقتصاد تئاتر مشهد سایه افکند که امیدواریم برگزاری این جشنواره بتواند تا حدی از هنرمندان این حوزه حمایت کند.

یوسفی درباره تعداد آثار رسیده به دبیرخانه جشنواره، توضیح داد: طی ۱۵ روز و پس از انتشار فراخوان این جشنواره، ۱۹۱ اثر از سوی ۶۱ هنرمند به دبیرخانه جشنواره ارسال شد که اکنون در حال بازخوانی آثار هستیم و در نهایت پس از بازخوانی نمایش‌نامه‌ها، ۲۰ اثر برای اجرای عمومی انتخاب خواهند شد. به گفته او فرایند اجرای تئاترهای برگزیده، از عید غدیر آغاز شده و روزانه در ۲۰ نقطه شهر مشهد، همراه با رعایت پروتکل‌های بهداشتی اجرا می‌شوند.

یوسفی همچنین تأکید کرد: در تلاش هستیم برای هر اثر ۱۰ نوبت اجرا در نظر گرفته شود که در مجموع، تعداد تئاترهای اجرا شده به ۲۰۰ نوبت خواهد رسید.

معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری درباره محور آثار ارسالی، نیز توضیح داد: بیشتر آثار ارسال شده به جشنواره بر محور موضوعاتی همچون «آموزه‌های فرهنگ رضوی»، «ترویج اخلاق و فرهنگ شهروندی»، «ظرفیت‌های مشهد»، «جهش تولید»، «کرونا و مردم»، «شاهنامه حکیم فردوسی» و «آیین‌ها و ادبیات فولکلور آیینی» بوده‌اند که نشان از تنوع اجراها دارد. یوسفی همچنین درباره نحوه داوری و گزینش آثار، گفت: هر یک از آثار ارسالی به دبیرخانه کدگذاری شده و بازخوانان، در جریان هویت فرد ارسال کننده قرار نمی‌گیرند تا فرصت برابر برای همه شرکت‌کنندگان به وجود آید.

## تحول در خانه مطبوعات خراسان رضوی

نخستین نشست ستاد گرامیداشت روز خبرنگار سال ۹۹ در خانه مطبوعات خراسان رضوی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی خانه مطبوعات در این جلسه معاون فرهنگی و رسانه‌ای اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان گفت: مجموعه هیئت مدیره خانه مطبوعات در دوره جدید با مشروعیت بالا از سوی جامعه مخاطبان انتخاب شد و مشارکت هشتاد و یک درصدی اعضا در این انتخابات پرشور، وظیفه سنگینی را بر عهده اعضا گذاشته که باید این سرمایه اعتماد را قدر دانست. افشین تحفه‌گر با اشاره به همدلی و همگرایی موجود در مجموعه‌های رسانه‌ای استان در دوره اخیر گفت: مکان خانه مطبوعات برای همیشه در مجتمع امام رضا(ع) در بوستان ملت مستقر است، اما باید تلاش کرد تا مکان بهتری متناسب با شأن خانه مطبوعات فراهم شود. او اولویت نخست این خانه در شرایط فعلی را پیش‌بینی مکانی مناسب دانست و برای اعضای جدید هیئت مدیره آرزوی توفیق کرد. مجتبی محمودی مدیر خانه مطبوعات و رسانه‌های خراسان رضوی نیز در این نشست از برنامه‌ریزی برای تشکیل کارگروه‌های صنفی مبتنی بر رفع مسائل و دغدغه‌های خبرنگاران خبر داد و گفت: با تشکیل کمیته‌های تخصصی در این دوره تلاش خواهیم کرد تا مسائلی همچون بیمه، عضویت، مسکن و رسانه‌های اجتماعی اعم از خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی بومی فعال، در خانه مطبوعات و رسانه‌های استان در این دوره پیگیری شود. غلامرضا بنی‌اسدی نایب رئیس هیئت مدیره خانه مطبوعات و رسانه‌های خراسان رضوی نیز در این جلسه گفت: غربت ناخواسته در دوره قبل مدیریت خانه، قدری باعث رنجش خاطر مدیر سابق خانه شده بود که امیدوارم با توجه به تغییر رویکرد و وعده‌هایی که از سوی مسئولان و اعضا داده شده است و همچنین حضور حدود ۱۵۰ نفر عضو جدید با انرژی و ظرفیت پویا به مجموعه، بتوانیم موفق باشیم.

## کلاس‌های آموزشی هنری و سینمایی تعطیل شد

محمدرضا محمدی، معاون هنری و سینمایی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی از تعطیلی کلاس‌های آموزشی هنری و سینمایی خبر داد. محمدی دراین‌باره توضیح داد: با توجه به نامه شماره ۹۹/۱۶۹۰۴۶ مورخ ۹۹/۴/۱۹ معاون محترم امور بهداشتی دانشگاه و رئیس مرکز بهداشت استان خراسان رضوی و بند ۳ صورتجلسه پنجاهمین جلسه ستاد پیشگیری و مقابله با کرونا ویروس استانداری، بدین‌وسیله به اطلاع می‌رساند تا اطلاع ثانوی برگزاری کلاس‌های حضوری در کلیه آموزشگاه‌های آزاد هنری، سینمایی، مراکز مهارت‌آموزی و زبان استان تعطیل و کلاس‌ها فقط به صورت غیرحضوری و مجازی برگزار شود.

## خداحافظی آقایی، کریمی و حیایی با «آقازاده»

امیر آقایی، نیکی کریمی و امین حیایی نخستین بازیگرانی هستند که با سریال «آقازاده» خداحافظی کردند. به گزارش ایسنا، تصویربرداری «آقازاده» که با شیوع کرونا در اواخر اسفند ماه برای حفظ سلامت عوامل متوقف شده بود، از ۳۰ اردیبهشت از سر گرفته شد. اکنون در آخرین روزهای ضبط این سریال بازی امیر آقایی، نیکی کریمی و امین حیایی در این مجموعه به پایان رسیده است. تاکنون سه قسمت از «آقازاده» با طراحی، نویسندگی و تهیه کنندگی حامد عنقا و کارگردانی بهرنگ توفیقی در شبکه نمایش خانگی توزیع شده که با استقبال خوب مخاطبان نیز همراه بوده است. از دیگر بازیگران این مجموعه نیز می‌توان به امین تارخ، مهدی سلطانی، ثریا قاسمی، لعیا زنگنه، سینا مهراد، مسعود فروتن، کامبیز دیرباز و جمشید هاشم‌پور اشاره کرد.

**جیم کری، هنرپیشه و کمدین مشهور، اولین رمان خود را با عنوان «خاطرات و اطلاعات نادرست» از سوی انتشارات «Knopf» منتشر کرد. این هنرپیشه تاکنون دو بار برنده جایزه «گلدن گلوب» برای فیلم‌های «نمایش ترومن» و «مرد روی ماه» شده است و بدون شک یکی از بهترین بازیگران کمدی تاریخ سینماست.**

## اخبار کوتاه